

جهان نما

حمله ترامپ پیش از پرواز ماکرون به من توهین کرد

سینا سبز یان

دونالد ترامپ، آخرین دقایق پیش از پرواز به سمت پاریس برای حضور در یکصدمین سالگرد پایان جنگ جهانی اول را هم از دست نداد و با توثیت‌های معروفش به امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه که میزبان وی در این سالگردنیز هست، حمله کرد و سخنان وی مبنی بر ایجاد ارتش اروپایی برای رویارویی با آمریکا، چین و روسیه، را توهین آمیز خواند.

کاملاً مشخص بود که رئیس جمهور موسوم به «شخص اول آمریکا»، آماده‌است که نقش خود را در گردهم آیی رهبران جهان برای یادآوری اتحادی که منجر به پایان اولین جنگ جهانی شد، برجسته کند.

این دیدار دقیقاً با پایان انتخابات میان دور‌های آمریکا همزمان شده‌است؛ انتخاباتی که مردم آمریکادر آن پیام فرانسوم خود را برای ریاست جمهوری وی اظهار کردند و با وجود آنکه مجلس سنا در دست حزب حاکم ماند، اما کنترل مجلس نمایندگان از دست این حزب خارج شد و به دست دموکرات‌های رقیب افتاد. پیامی که هرچند چندان محکم نبود، اما می‌تواند با آغاز فعالیت دور جدید مجلس نمایندگان، فعالیت‌های رئیس جمهور خاص آمریکا را متحول کند و حتی وی را تا مرز استیضاح پایین بکشد.

ترامپ روز شنبه (نوزدهم آبان ماه) با ماکرون برای موضوعاتی از جمله امنیت اروپا، سوریه و ایران دیدار کرد. این دیدار در حالی صورت گرفت که ترامپ به محض اینکه وارد اروپا شد، توثیت کرد: آقای ماکرون پیشنهاد کرده‌اند اتحادیه اروپا، ارتش خود را برای حفاظت از خودشان در مقابل ایالات متحده، چین و روسیه ایجاد کند.

خیلی توهین آمیز است، اما شاید بهتر باشد اروپا اول سهم متناسب خود از ناتو را پرداخت کند؛ سهمی که آمریکا با یارانه کافی آن را پوشش داده‌است.

ترامپ مدعی است ناتو برای حفظ منافع اروپا و حفاظت از آن هزینه‌های زیادی دارد که بیشتر آن از سوی آمریکا تأمین می‌شود و او باید این راه کوتاهی می‌کند. ادعایی که اروپایی‌ها در مورد آن سکوت کردند و پاسخی به ترامپ ارائه ندادند.

سفر کوتاه ترامپ به اروپا در حالی انجام می‌شود که در مورد روابط ایالات متحده با قاره سبز عدم قطعیت‌هایی وجود دارد. ترامپ به روابط تجاری با اتحادیه اروپا حمله کرد و برخی از ملت‌های اتحادیه از جمله فرانسه را به دلیل خرج نکردن سرمایه کافی برای حفظ ناتو مورد انتقاد قرار داد. ناتو اتحاد چنددهه‌ای دولت‌های غربی برای تقابل با تهدیدات احتمالی مسکو به شمار می‌رود.

جان بولتون، مشاور امنیت ملی ترامپ در پاریس اعلام کرد که ایالات متحده نگران ثبات در اروپا است و اینکه آقای ترامپ از همکاری جهانی دوری نمی‌جوید. او گفت: من فکر می‌کنم درس بزرگ جنگ جهانی اول برای ایالات متحده

آمریکا این بود که وقتی به یک قدرت جهانی تبدیل شدی، منافع جهانی داری که باید از آن حفاظت کنی. بولتون افزود: رهبران بزرگ جهان

درسی از تاریخ؛

راهی که به اشتباه می‌رویم



سید محمد میرزا محمدزاده

فرید زکریا، خبرنگار و مقاله‌نویس مشهور هندی الاصل، در یادداشتی برای روزنامه آمریکایی واشنگتن پست، با یادآوری دوران جنگ جهانی اول، هشدار می‌دهد که شرایط کنونی جهان به دوران دهه ۱۹۲۰ بسیار نزدیک شده است و بر این باور است که نمی‌توان کنار نشست و کاری نکرد تا اتفاقات خود ما را به مسیر درست هدایت کنند. او تأکید می‌کند که باور به اینکه دنیا آنقدر پیشرفت کرده که نمی‌توان منتظر جنگ جهانی بود، باوری غلط است و باید برای مقابله با نشانه‌های جنگ جهانی همگی همت گمارند. این خبرنگار مسلمان جهان کنونی را بسیار خوشبین می‌داند و اصرار دارد که پیشرفت‌های کنونی اقتصادی و فناوری و افزایش قدرت‌های نوظهور اصلان نشانه خوبی نیست و بهانه‌ای برای تقابل قدرت‌ها است که می‌تواند آتش جنگ جهانی دیگری را برافروزد. در یادداشت او می‌خوانیم:

این روزها وقتی خبر بدی

می‌شنویم، اکثر افراد تمایل دارند، اینطور تصور کنند که این مسائل فقط دست‌اندازی در مسیر هستند و ما راه خود را ادامه می‌دهیم. باراک اوباما همیشه روی این‌جمله مارتین لوتر کینگ تأکید داشت که «قوس اخلاقیات جهان بسیار بلند است، اما ما آن را به سمت عدالت خم می‌کنیم.» اما آیا با عقب‌نشینی‌هایی که از عدالت در هرجا می‌بینیم، می‌توانیم مدعی شویم که چنین تفکری ادامه داشته است؟

روز یکشنبه (بیستم آبان ماه) در یازدهمین ساعت از یازدهمین روز یازدهمین ماه میلادی، ما یادمان پایان بزرگ‌ترین و خون‌بارترین نزاع جهانی که تا کنون بشر به چشم دیده‌است را جشن می‌گیریم؛ جنگ جهانی اول به عنوان نقطه عطفی در تاریخ بشر به‌شمار می‌رود – پایان امپراطوری چهار قدرت اروپایی، ظهور نظام کمونیستی شوروی و ورود ایالات متحده آمریکا به بازی سیاسی جهانی – اما شاید مهم‌ترین میراث فکری این دوران، پایان ایده توسعه‌اجتناب‌ناپذیر بود.

در سال ۱۹۱۴ (۱۲۹۳)، قبل از آنکه جنگ آغاز شود، مردم زندگی بسیار شبیه زندگی امروز ما داشتند، اقتصادی رو به رشد، انقلاب‌های فناوری و جهانی شدن رو به فزونی؛ نتیجه چنین روندی این‌س بود که به صورت گسترده همه بر این باور بودند که روندهای پلیدی که در آن زمان سر می‌گشودند، موقتی هستند و در موج توسعه محو می‌شوند. در سال ۱۹۰۹، نورمن انگل کتابی نوشت که در آن توضیح می‌داد، جنگ بین قدرت‌های بزرگ آنقدر هزینه‌بر است که چنین جنگی قابل تصور نیست.

این کتاب با نام جادوی کبیر (The Great Illusion) به رکورد فروش جهانی دست پیدا کرد و انگل به یک بنیان‌گذار مکتب فکری بدل شد (بعدها جایز صلح نوبل هم دریافت کرد). تنها چند سال پس از آنکه این کتاب منتشر شد، نسلی از اروپایی‌ها در قتل‌عام جنگ جهانی نابود شدند.

حالا بر این اساس به نظر شما ما می‌توانیم از خودمان مطمئن باشیم؟ دولتمردان زیادی هستند

عصر، عصر برندگان بزرگ وبازندگان بزرگ است. سرعت تغییر مردم را از تغییر فرهنگ و کشورشان در مسیر جهان نگران کرده است و آنها آسایش را در یافتن قهرمانی می‌بینند که از آنها محافظت کند

که اینگونه فکر نمی‌کنند. امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه اخیراً در مصاحبه‌ای اینگونه توضیح داد: در اروپایی که به دلیل ترس، ادعاهای ملی‌گرایی و نتایج بحران‌های اقتصادی، ملت‌ها از هم جدا شده‌اند، به روشنی شاهد بازنشانی همه ویژگی‌های زندگی اروپایی از زمان جنگ جهانی اول تا بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ هستیم. ماکرون در اوایل سال جاری میلادی نیز با اشاره به پارلمان اروپا گفت: من نمی‌خواهم به نسلی تعلق داشته باشم که گذشته خود را فراموش کرده‌است.

همانطور که کریستوفر کلارک

تاریخ‌نگار معروف در کتاب خود با نام خواب‌زدگان (The Sleepwalkers) می‌نویسد، دولتمردان دوره ۱۹۱۴، بدون آنکه به تبعات خطرناک تصمیمات جداگانه فراینده یا عدم تصمیم‌گیری‌های خودبی‌اندیشند، دست به یک جنگ جهانی زدند. ماکرون البته تنها حرف نمی‌زند، او کنفرانس صلح پاریس را برای بیش از ۶۰ رهبر جهان کلید زده‌است که از روز یکشنبه (بیستم آبان ماه) آغاز یکار می‌کند تا خطر رشد ملی‌گرایی و همکاری رو به زوال جهانی را به چالش بکشد.

آیا این مخاطرات واقعی و عاجل هستند؟ اگر شما به مقایسه جهان امروز بپردازید، دوران ما بیشتر شبیه دهه ۱۹۲۰ است تا دهه ۱۹۳۰. رشد اقتصادی و فناوری در آن زمان همچون امروز شتاب زیادی داشت. ما همچنان شاهد رشد ملی‌گرایی و فروپاشی همکاری‌ها هستیم، چیزی که نشانه بارز دهه ۱۹۲۰ بود. قدرت‌های نوظهور در آن زمان همچون دوران ما رو به فزونی بودند.

دموکراسی از سوی عوام‌فریبان تحت فشار بود، همچون موسولینی در ایتالیا که نهادهای لیبرال را از هم پاشاند و قدرت را به دست گرفت؛ و در کنار همه این عوامل، رشد پوپولیسم، نژادگرایی و ضدیت با یهودیت بود که منجر به جدایی کشورها و اخراج اقلیت‌ها از چیزی شد که «ملت‌های واقعی» خوانده می‌شدند. البته که فشارهای دهه ۱۹۲۰ بود که ما را به مسائل دهه ۱۹۳۰ سوق داد.

دنای امروز ما هم همان نشانه‌ها را دارد. رشد اقتصادی، جهانی شدن و فناوری منجر به ظهور مراکز قدرت جدید درون ملت‌ها و در مقیاس بزرگ‌تر، جهان شده‌اند. عصر، عصر برندگان بزرگ و بازندگان بزرگ است. سرعت تغییر مردم را از تغییر فرهنگ و کشورشان در مسیر جهان نگران کرده‌است و آنها آسایش را در یافتن قهرمانی می‌بینند که از آنها

روز یکشنبه (بیستم آبان ماه) در یازدهمین ساعت از یازدهمین روز یازدهمین ماه میلادی، ما یادمان پایان بزرگ‌ترین و خون‌بارترین نزاع جهانی که تا کنون بشر به چشم دیده‌است را جشن می‌گیریم؛ جنگ جهانی اول به عنوان نقطه عطفی در تاریخ بشر به‌شمار می‌رود

محافظت کند. تیموتی اسنایدر، تاریخ‌نگار در کتاب جدید خود با نام «جاده‌ای به نسا:زادی، Unfreedom) بین چیزی که او «سیاست اجتناب‌ناپذیری» می‌خواند، – ایمان بی‌خود که همه چیز در نهایت به نتیجه می‌رسد – و «سیاست ابدیت» تمایز قائل می‌شود. سیاست ابدیت، دیدگاهی است که از سوی رهبرانی همچون ولادیمیر پوتین روسیه برگزیده می‌شد و بر این اساس بود که هیچ چیز غیرقابل اجتناب نیست و بازور، حيله و قدرت و اراده می‌توانید قوس تاریخ را خم و حتی برعکس کنید.

اسنایدر توضیح می‌دهد که پوتین بدون پذیرش این حقیقت که او کراین بخشی از غرب است، چطور اینکار را در اوکراین انجام دادو مجموعه‌ای از اقدامات بی‌رحمانه‌ای را انجام داد که اوکراین را به‌هم ریخت و آن را به‌دوران درگیری‌های داخلی بی‌پایان کشاند.

پوتین برنده نخواهد بود. تلاش افرادی همچون او که برای برعکس کردن تاریخ کمر بسته‌اند، محکوم به شکست است. اما دیدگاه افراد در سوی دیگر، تلاش بیشتری می‌طلبد. نمی‌توان نشست و تماشا کرد تا اتفاقات به راحتی رخ دهند. تاریخ فیلم‌هایلوودی نیست. باید برآی آن گام برداشت.



ترامپ نظر خود در مورد وایتیکر را جمعه شب در رشته توثیت‌هایی اظهار کرد و گفت قبل از آنکه وی را این هفته به این سمت برگزیند، هیچ ارتباط اجتماعی با او نداشته‌است.

ترامپ در توثیترش نوشت: متیو جی وایتیکر، یک دادستان محترم سابق آمریکاز ایالت آیووا بوده‌است. وی از سوی جف سئز به عنوان رئیس دفتر وی انتخاب شده بود. من آقای وایتیکر را نمی‌شناختم. حتی او را به عنوان رئیس دفتر هم نمی‌شناختم و جز مرادات اولیه در سفرهایی که با سئز همراه بود، چیزی از او نمی‌دانستم. هیچ ارتباط اجتماعی در میان نبود.

ترامپ در یک توثیت دیگر نوشت: آقای وایتیکر از سوی سناتور جانی ارنست، سناتور چاک گراسلی، سفیدتری برانستاد، لنونا ر لئو از جامعه قدرالیهست، به شدت تأیید می‌کنند. مطمئن هستم که او در سمتش به عنوان دادستان کل می‌درخشد.

البته ترامپ روز جمعه، (هجدهم آبان ماه) از انتخاب خود برای جانشینی وایتیکر به جای سئز در رأس وزارت دادگستری دفاع کرد و مدعی شد که او شخصاً وایتیکر را نمی‌شناسد. ترامپ به خبرنگارانی که پیش از سفر به پاریس به دفتر کار او با نام اوال آفیس آمده بودند گفت: من با مت وایتیکر در این مورد صحبت نکردم. من مت وایتیکر را نمی‌شناسم.

گزارش شده که وایتیکر که پیش از این ریاست دفتر سئز را در وزارت دادگستری برعهده داشت، تقریباً ده‌ها بار با ترامپ در اوال آفیس دیدار داشته‌است.

سی‌ان‌ان نیز پیش‌تر گزارش کرده بود که مک‌گن یکی از تأثیرگذاران در انتخاب وایتیکر به عنوان رئیس دفتر سئز در وزارت دادگستری بوده‌است.

مک‌گن ماه گذشته سمت خود به عنوان مشاور حقوقی کاخ سفید را به دنبال تأیید برت کاونابا به عنوان رئیس دیوان عالی کشور ترک کرد.

خبر

پشت پرده انتصاب آمریکایی؛

وایتیکر یکسال قبل انتخاب شده بود

در تورهای رسانه‌ای مولر را مورد انتقاد قرار داد و تحقیقات وی در مورد دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را بیش از حد خواند.

در نهایت در هفته جاری ترامپ، پس از آنکه از جف سئز، دادستان کل خواست که از سمتش کناره‌گیری کند، وایتیکر را به عنوان دادستان کل معرفی کرد.

رئیس جمهور آمریکا در طول سال گذشته، همواره با دست‌انداختن سئز، تلاش کرد خود را از اتهام دخالت فدراسیون روسیه در انتخاب وی به عنوان رئیس جمهور آمریکا که از سوی مولر مورد تحقیق قرار گرفته‌است، نجات دهد. مولر در حال تحقیق این موضوع است که آیا روابطی بین کمپین انتخاباتی ترامپ و روسیه در انتخابات سال ۲۰۱۶ ریاست جمهوری آمریکا وجود داشته‌است یا خیر؟ کارشناسان حقوقی انتخاب وایتیکر را به عنوان وزیر دادگستری مورد انتقاد قرار داده‌اند و مدعی هستند، رئیس وزارت دادگستری باید از سوی مجلس سنا مورد تأیید قرار گیرد. قانون‌گذاران آمریکا نیز تصمیم ترامپ برای انتخاب رئیس وزارت دادگستری از بین وفاداران حزب جمهوری خواه را به باد انتقاد گرفته‌اند و ادعای کننداو قصد دارد تحقیق مولر را با این انتخاب متأثر کند. چارلز اسشامبر، روز دوشنبه هفته گذشته، بعد از تصمیم رئیس جمهور آمریکا برای برکناری جف سئز و انتخاب وایتیکر به عنوان رئیس وزارت دادگستری، در نامه‌ای به دونالد ترامپ، او را مورد انتقاد قرار داد و گفت: وایتیکر به عنوان کسی که از لحاظ سیاسی مورد تأیید نیست، مورد بررسی نهادهای قدرت به منظور یافتن اینکه آیا شخصیت، همیت و توانایی حداقل‌های مسئولیت مورد پذیرش را دارد یا خیر، قرار نگرفته‌است.

مریم علامه‌زاده

انگار رسوایی‌های ترامپ تمامی ندارد، انتصابات، فسادها و تصمیمات غیرقانونی او همواره از سوی رسانه‌ها و مقامات مختلف آمریکایی گزارش شده‌اند. اما او ترجیح می‌دهد صرفاً با سرکوب و تکذیب این جرنات، راه خود را به روش عجیبی ادامه دهد. در طول دو سال گذشته که او به عنوان رئیس جمهور آمریکانتخاب شده‌است، از سر خوش اقبالی یا با حمایت دست‌های پشت پرده توانسته از تمامی اتهامات جان سالم به‌در برد و مسیر خصمانه خود را بپیماید. اینبار موضوع جدیدی گریبان ترامپ را گرفته‌است؛ انتخاب دادستان کل جدید انگار پشت پرده‌ای داشته که خود ترامپ درگیر آن است. هرچند که ترامپ مدعی شده که چنین چیزی وجود ندارد و هرگونه انگیزه‌ای برای قطع تحقیقات مولر و ارتباط با وایتیکر دادستان جدید را رد کرده‌است.

نیویورک تایمز در گزارشی مدعی شده‌است که دون مگن، مشاور سابق حقوقی کاخ سفید سال گذشته با متیو وایتیکر، برای پیوستن به تیم حقوقی ترامپ مصاحبه کرده بود و از آن زمان وی عملاً به عنوان دادستان کل فعالیت می‌کرده‌است.

انطور که نیویورک تایمز ادعا کرده‌است، مک‌گن که ماه پیش کاخ سفید را ترک کرد، با وایتیکر در جولای ۲۰۱۷ (خرداد – تیر ۱۳۹۶) برای این سمت مصاحبه کرده بود و در گزارش خود وایتیکر را سگ وحشی قانون علیه رابرت مولر، مشاور ویژه، تشریح کرده بود.

کاخ سفید در آن زمان در نهایت وایتیکر، دادستان سابق آمریکا در ایالت آیووا را به خدمت نگرفت، کسی که بعد از آن